

مصطفی میرسلیم از دغدغه‌هایش برای مجلس یازدهم می‌گوید

اصلاحات در پارلمان

رؤنانه رضایی پور
خبرنگار

عدم استقبال پر شور مردم در انتخابات فریب ندهند و دلخوش نکنند. آنها اگر می‌خواهند جایگاهی در آینده سیاسی کشور داشته باشند باید خود را بر اقتضای گام دوم انقلاب تطبیق دهند و از همین امروز لباس اقتبلی دلسوز را بر تن کنند و ضعف‌ها و کاستی‌ها را شناسایی کنند و در اختیار مردم و نمایندگان قرار دهند و بدین ترتیب بلوغ سیاسی خود را به اثبات برسانند. در مردم سالاری دینی برای برحذر ماندن از خودکامگی‌ها همواره نیازمند اقلیت خیرخواه، منتقد، دلسوز و با انصافیم.

به هر روی اصولگرایان همواره با این پرسش روبه‌رو بوده‌اند که چرا مواضع آنها نسبت به برخی نهادهامثل صداوسیما، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و... حمایتی است و هیچ نقد جدی نسبت به آنها ندارند. آیا

این به‌خاطر همسویی فکری این نهادهای ایرانی و تحلیل انتخابات مجلس را گرفت، برای اولین بار مشارکت در انتخابات به زیر ۵۰ درصد رسید. در این باره نظرات مختلفی وجود دارد. اصولگرایان عمدتاً قهر بخش قابل توجهی از مردم با صندوق رای را به

حساب عملکرد دولت و اصلاح طلبان می‌گذارند و در مقابل برخی معتقدند عدم مشارکت گسترده به نارضایتی‌هایی بر می‌گردد که تنها متوجه دولت نیست و گفته می‌شود که بخش‌هایی از مردم به این نظر رسیده‌اند که نهادهای انتخاباتی از کارآمدی و تأثیرگذاری افتاده‌اند و در حقیقت مطالبات مردم را نمایندگی نمی‌کنند یا نمی‌توانند. چنانکه علی‌مطهری معتقد است اتفاقاً اگر مردم از عملکرد دولت نارضی بودند باید برای تغییر مشارکت بیشتری می‌داشتند. شما چه ارزیابی از این پدیده دارید؟

حتماترین از اینها به بیماری کرونا بر عدم رغبت مردم به حضور در پای صندوق‌های رای مؤثر بوده است ولی به‌نظر این‌جانب این اثر در آن تاریخ عمده نبوده است. بنابراین آنچه باقی می‌ماند موضوع کاهش بار و صله اجتماعی که دلایل آن نیز متعدد است: ۱) عملکرد دولت شش‌ت بر روحیه مردم اثر گذاشته است: گرانی بر زندگی روزمره مردم فشار آورده و کاهش قدرت خرید ناشی از سقوط ارزش پول ملی اعتماد مردم را متزلزل نموده است. اقدامات دولت از بهمن ۹۸ به بعد نیز نتوانست این کاهش اعتماد عمومی به دولت را جبران کند، والا در اعتقاد مردم نسبت به انقلاب و ارزش‌های انقلابی تزلزلی رخ نداده است که نمونه آن را در تشییع جنازه حاج قاسم سلیمانی شاهد بودیم.

۲) روش اجرای طرح افزایش قیمت بنزین هم بر بی‌اعتمادی مردم نسبت به کارآمدی و حتی حسن نیت برخی دولتمردان افزود. در این امر مجلس نیز سهمیم است زیرا از ابتدای سال ۶۸ بحث بی‌فایده‌ای را درباره اصلاح قیمت انرژی انجام داد و به نتیجه‌ای نرسید.

۳) عملکرد مجلس به‌لحاظ نظارت بر عملکرد دولت و جلوگیری از متوقف ماندن قوانین مصوب حکایت از نتابی مجلس با دولت می‌کرد و اگر این نظارت را استفاده غیر ویژه‌خوارانه از ابزارهای قانونی نظیر تذکر و سؤال و تحقیق و تفتحص و استیضاح بموقع انجام می‌شد هم آبروی مجلس لکه دار نمی‌شد و هم بر اصلاح عملکرد دولت اثر می‌گذاشت. متأسفانه برخی نمایندگان سؤال و استیضاح و تحقیق و تفتحص را به مسخره تبدیل کردند و ابزار جایگزینی از دولتمردان قرار دادند. به علاوه مجلس چه در انتخاب رؤسای کمیسیون‌های خود و چه در رای اعتماد به وزرای پیشن، سنت شایسته سالاری را زیر پا گذاشت.

۵) درباره تنقیح قوانین مجلس پیشرفتی نکرد و انحرفات ناشی از تراحم قوانین اثر منفی خود را بر مردم تشدید کرد. این درست نیست که در جمهوری اسلامی برای ارتکاب هر اقدامی بتوان به‌بندی از قانون یا مقررات مصوب استناد کرد. این باعث ظلم به مردم و تباه شدن حکمرانی می‌شود که اثر مستقیم آن را در پای صندوق‌های رای می‌توان دید.

اصلاح‌طلبان نباید منکر واقعیت‌ها شوند و راه انحرافی را انتخاب کنند. آنها باید شکست خود را بپذیرند و با تحلیل کارشناسانه نه خودپندانه دلایل شکست را بپذیرند و خود را با موضوع



مصطفی میرسلیم

به هر روی کشور با مشکلات مختلف و از جمله تحریم‌ها روبه‌روست. پیام و حرف مجلس یازدهم برای حل مشکلات ناشی از تحریم‌ها چیست؟ آیا شما هم می‌خواهید فقط مردم را توصیه به ایستادگی کنید؟ مردم تا چه زمانی باید ایستادگی کنند؟

تحریم‌ها تا‌نگی ندارد و به‌نظر نمی‌رسد با لجاجت کینه توزانه امریکا بی‌زودی خاتمه‌یابد، راه حل ما در این شرایط ظالمانه، در اجرا کردن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. این ۲۴ بند، نجات بخش کشور است و اگر از سال ۹۲ به آنها عملاً اعتنا می‌شد، مردم با تحمل رکود تورمی، در انتظار به نتیجه رسیدن برجام، به فلاکت نمی‌افتادند. دولت تمام همت خود را مصروف برجام کرد و اقتصاد کشور را معطل گذارد. البته دولت از سال ۹۵ طرح‌هایی را آغاز کرده است که جوابگوی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی باشد. نتیجه آن طرح‌ها باید ارزیابی شود تا بتوانیم آینده بهتری را با جبران فرصت‌های از دست رفته، برای مردم ترسیم کنیم و نه توجه به امکانات خدادادی که نظیر کشورمان، این بهبود میسر است به شرط خودباوری و عدم اصالت دادن به اتکا، به بیگانهان و بویژه مراعات شایسته سالاری و پرهیز از تنگ نظری.

که خبر و صلاح جمهوری اسلامی را در بر می‌گیرد پیروی کند. معایب مجلس به یکدستی آن بر نمی‌گردد بلکه ناشی از فرآیندهای ناشایستی است که بتدریج در چهل سال گذشته رواج پیدا کرده و مجلس را از رتبه در رأس امور بودن خارج کرده و راه اصلاح آن هم تغییر آیین نامه رئیس محور آن است.

در روزهای گذشته زمه‌مه‌هایی از سوی برخی چهره‌های اصولگرا مطرح شده مبنی بر اصلاح آیین‌نامه و ضرورت کاهش اختیارات رئیس مجلس. شما پیگیری این ایده را با چه هدفی می‌دانید و خودتان موافق با کاهش اختیارات رئیس مجلس هستید؟

اصلاح آیین‌نامه ضروری است چه برای اختیارات هیأت رئیسه و رئیس و چه درباره نحوه انتخاب اعضا و رؤسای کمیسیون‌ها. هدف این است که مجلس بازبایند. رئیس مجلس باید سخنگوی مجلس باشد و وظایف و اختیارات نظریات خود، او باید بتواند برآیند نظریات نمایندگان را در مراجع قانونی مختلف مطرح و پیگیری کند. وظیفه دیگر او با همکاری هیأت رئیسه، در گردآوری امکانات کارشناسی دقیق و بهنگام برای نمایندگان است تا بتوانند در تصمیم‌گیری‌های خود داهیه‌ل و شایسته‌سالارانه عمل کنند و هرچه کمتر با آرای منتفع‌روبرو شویم. وظیفه سوم نیز امور اجرایی مجلس است که باید بدون ریخت و پاش و اسراف و خاصه خرجی و به‌صورتی کاملاً شفاف انجام گیرد. این اصلاحات اگر انجام نگیرد مجلس یازدهم ضعیف‌تر از مجلس‌های قبلی خواهد شد.

این روزها بحث درباره ریاست مجلس در رسانه‌ها زیاد مطرح می‌شود. در کنار نام‌هایی چون خود شما، آقای قالیباف و آقای آقاهترازنی اخیراًمدیران ارشد دولت‌های احمدی‌نژاد مثل آقایان فریدون عباسی و شمس‌الدین حسینی **باشد، به‌نظر می‌رسد** **می‌دانند؟ شما حسن و جریان‌است. شما مکانیسم پیشنهادی برای تعیین رئیس مجلس مطرح کرده‌اید یا در ذهن دارید که پروسه انتخاب هیأت رئیسه بدون حاشیه باشد؟**

مطرح شدن افراد و نامزد شدن اشکالی به لحاظ اصولی ندارد به شرط

■ شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۹

■ سال بیست‌وششم

■ شماره ۷۳۳۶

دارید؟

تشخیص صلاحیت ریاست مجلس و مسئولیت آن با خود نمایندگان است و اظهار نظرها تبلیغاتی برخی افراد و تشکیلات، موضوعیتی ندارد و اگر خدای ناکرده روش‌های انحرافی اتخاذ شود مطمئن باشید بر همگان آشکار خواهد شد. تعدادی از نمایندگان به من اظهار تمایل کرده‌اند که از حسن‌ظنشان تشکر می‌کنم و عده‌ای هم به دیگر نامزدها. آنچه مهم است اینکه بداییم قدرت طلبی در مجلس مذموم ولی خدمتگزاری صادقانه افتخار است و مطمئن باشید که همه ما در اصلاح وضع مجلس برای رسیدن به شفافیت و مقابله با تباهی‌ها و در نتیجه خدمت صادقانه و مؤثر به مردم اختلاف نظر نداریم هرچند که در بیرون مجلس برخی از افراد می‌خواهند وجود نوعی مخاصمه و رقابت تخریبی را القا کنند. اساس آن قدر کارهای مهم در پیش روی ما قرار دارد که اگر همگی از صمیم دل دست به دست هم دهیم باز بعید است از پس مشکلات برآییم، مگر به لطف خدا؛ پس جایی برای حذف یکدیگر نمی‌ماند. این چهار سال

مجلس یازدهم هم می‌گذرد و همراه خودش کرسی‌های مختلفی که از آن یاد کردید با خود می‌برد چنانکه قبل از ما، افرادی سال‌های متمادی نماینده بودند یا ریاست کردند و دوره‌شان پایان پذیرفت و رفتند؛ تنها چیزی که می‌ماند خدمت صادقانه و مخلصانه است برای بهبود وضع مردم و پیشرفت و اعتلای جمهوری اسلامی.

گفته می‌شود تعهد یا میثاق نام‌های در بین اصولگرایان آماده شده یا قرار است آماده شود که هر کسی رئیس مجلس شد نامزد انتخابات ریاست جمهوری نشود. شما چنین ادعایی را تأیید می‌کنید و آیا آن را ضروری می‌دانید؟

این طرز فکر مقدسی است که نباید نمایندگی مجلس سکوی پرواز برای کسب سمت‌های دیگر شود زیرا به‌نظر من برتر از نمایندگی مجلس، شغلی برای خدمت کردن به مردم وجود ندارد و اگر کسی مجلس را سکوی پرواز قرار دهد، هم به مجلس و هم به مردم جفا کرده است، هرچند منع قانونی نداشته باشد. در برخی کشورها رئیس جمهوری می‌تواند مجلس را منحل کند ولی در کشور ما مجلس در هیچ شرایطی تعطیل بردار نیست و متقابلاً مجلس است که تقوץ بر دولت و رئیس جمهوری دارد و اگر خدای ناکرده گرفتار انحراف شوند مجلس می‌تواند آنها را استیضاح کند یا کفایت سیاسی‌شان را زیر سؤال ببرد.

یکی از بحث‌های مهم و حتی انتقادی این سخن را البته از زاویه دیگری برخی اصلاح‌طلبان مطرح می‌کردند و البته آن را به دخالت‌ها و فشارهای بیرون مجلس ارتباط می‌دهند مثلاً می‌گویند شوراهای عالی مختلف به امر قانونگذاری ورود کرده‌اند یا اخیراً بحث هیأت عالی نظارت

مجمع تشخیص را مطرح می‌کنند که به تعبیر علی‌مطهری شورای نگهبان دوم شده است. شما دلایل نقد جایگاه مجلس را در چه می‌دانید و مشخصاً درباره آنچه قانونگذاری از سوی شوراهای عالی مختلف خوانده می‌شود چه نظری دارید؟

آنچه باعث تضعیف مجلس شد تحقیر نمایندگان بود که بعضاً ناشی از عملکرد ناشایست برخی از نمایندگان در فراموش کردن جایگاه خود و پرداختن به امور شخصی و گروهی و کسب منافع مادی بود. علاوه بر آن نوع نگاه رئیس مجلس به نمایندگان و عدم نظارت بر رفتار آنها موجب سقوط جایگاه مجلس شد به‌جای ارتقای منزلت نمایندگان و حفظ همه جاذبه حیثیت مجلس. شورای عالی انقلاب فرهنگی کمک خوبی برای مجلس است اگر آن شورای عالی وقت خود را صرف مسائل فرهنگی کشور به مفهوم عام کلمه کند و درباره امور قانونگذاری با مجلس تفاهم نماید که با توجه به عضویت رئیس مجلس و برخی نمایندگان مجلس در ترکیب شورای عالی انقلاب فرهنگی این هم‌افزایی براحتی قابل دسترسی است. اما هیأت عالی نظارت اصلاً کاری در زمینه قانونگذاری ندارد و منحصرأ بر نحوه اجرای سیاست‌های کلی و مراعات آنها بویژه در قانونگذاری می‌پردازد و این وظیفه را طبق بند ۲ اصل ۱۱۰ قانون اساسی انجام می‌دهد. کسانی که به عملکرد هیأت عالی نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام اعتراض دارند، بیشتر با اصل نظارت مشکل دارند

و آن را بر نمی‌تابند و می‌خواهند مطلق العنان باشند در حالی که نظارت برای مصون ماندن از انحراف و فساد ضروری است. یکی از دلایل سقوط مجلس دهم از جایگاه معنویتش بی‌توجهی به ضرورت جدی بودن در نظارت بر رفتار نمایندگان بود که باعث شد تخلف‌های بسیاری پدیدار شود. اینها بود که مجلس را از جایگاه رفیعش ساقط کرد و نه فعالیت‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی یا هیأت عالی نظارت مجمع.

مجلس یازدهم در اختیار منتقدان دولت است و قبل از انتخابات هم از سوی برخی نامزدها خط و نشان‌هایی برای دولت کشیده شده بود. با توجه به شرایط کشور شما مدت یک‌ساله باقی مانده از عمر دولت را معطوف به ارتباط با مجلس چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا قوه عاقله‌ای در مجلس خواهد بود که مقابل تدری‌های احتمالی بایستد؟

مجلس مجموعه‌ای از برگزیدگان مردم است و یقین داشته باشید عقل جمعی برتر از عقل فردی است و حتماً مجلس یازدهم به گداه‌ای عمل خواهد کرد که باعث جنجال آفرینی سیاسی در کشور نشود و شرط آن تن دادن دولت به خط مشی مجلس یعنی: توجه به مصالحه اساسی و برحق مردم و اقتضای پیشرفت کشور در شرایط تحریم و محدودیت است. دولت باید خود را بر مجلس تطبیق دهد. این قاعده مردم سالاری را باید مراعات کنیم تا از آسیب تدری‌ها مصون بمانیم.

آینده کار و کارگری در ایران

■ ادامه از صفحه اول

باید پذیرفت که نسل جدید نیروی کار که در کشورهای غربی به آنها «نسل هزاره» می‌گویند و در تقویم شمسی ما آنها را «نسل ده» (۱۴۰۰) می‌نامیم، دارای مختصاتی متفاوت از قبل است که در چهار ویژگی از پیشینیان متمایز می‌شوند: تحصیلات، جنسیت، شیوه تولید و نیازمندی‌ها و خواسته‌ها.

۱- کارگران امروز دیگر مهاجرین نسل اول از روستاها نیستند. تقریباً همه آنها تحصیلکرده هستند، ۸۰ درصد کارگران صنعتی دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم هستند. پیش از این کلاس‌ها سوادآموزی معمولاً در جنب کارخانجات شکل می‌گرفت. دوره‌ای را به یاد دارم که برای استخدام نیروها در کارخانجات حتی کم‌اظهاری تحصیلی امری رایج شده بود. امروز اما با کارگرانی مواجهیم که با جریان سیاسی و اجتماعی جهان کاملاً آشنا هستند. در فضای مجازی حضور دارند، قواعد سنتی آنها را راضی نمی‌کند، اهل خلاقیت به سبک امروز هستند. سطح آگاهی آنها را نمی‌توان به صورت فردی و بر اساس صرف مدرک تحصیلی و مهارت ویا مختصات کارگر سنتی سنجید. نیروی کار امروز فارغ از سطح تحصیلات عضوی از جهان داده‌ها و اطلاعات است؛ سطح آگاهی و شخصیت او بر اساس همین عضویت و هویت جمعی، شکل می‌گیرد. این هویت جمعی جدید اساساً او را از شخصیتی برآمده از طبقه کارگر کلاسیک متفاوت می‌کند. حدود ۵ میلیون دانشجو امروز با ورود خود به بازار کار و کارگری را دچار دگرگونی می‌کند.

۲- در تبلیغات مارکسیستی همیشه کارگران را مردانی کچش به دست و چکمه‌پوش به تصویر می‌کشیدند اما در دهه اخیر دیگر این ترکیب از جامعه کارگری را شاهد نیستیم. در چند سال گذشته حدود ۶۶ درصد اشتغالات جدید به زنان رسیده است. با تغییر وضع کارهای نیروبر به سرمایه‌بر و مبتنی بر تکنولوژی، زنان حضور پررنگ‌تری در محیط کاری خواهند داشت.

۳- تغییر در شیوه تولید مبتنی بر تکنولوژی دنوع نیروی کار را در سال‌های آینده جدی‌تر خواهد کرد: الف) کارگران دانشی؛ تکنولوژی‌های ارتباطی و ایجاد فضای مجازی به تعبیر من بسیار بزرگ‌تر از جهان واقعی، باعث شکل‌گیری کارگران دانشی خواهد شد. یک دهه است که حضور نیروی کار در فضای مجازی افزایش یافته که تطابق زیادی با قوانین کار و تأمین اجتماعی نخواهد داشت. ابزار تولید آنها از کوره‌های بزرگ به گوشی‌های کوچک تبدیل شده است. ب) کارگران خدماتی: آمار بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی نیز نشان می‌دهد سهم بخش خدمات در مقایسه با صنعت و ناامنی شغلی بیشتری یافته است. این نوع کارگران در بخش خدمات البته ناپایداری و ناامنی شغلی بیشتری را تجربه می‌کنند اما در عین حال این کارگران غیررسمی در آینده سهم بیشتری در جمعیت کارگری ایران خواهند داشت.

۴- مهمترین تغییر در نیازمندی‌ها و خواسته‌های کارگران است. براساس مطالعات انجام شده، نسل جدید نیروی کار بیش از آنکه دغدغه دستمزد فعلی داشته باشد، مساله رضایت شغلی و امنیت اقتصادی دارد. بیش از هر زمان داشتن فرصت بروز خلاقیت‌ها برایش مهم است. علاوه بر آن منزلت کار فاکتور مهمی در انتخاب شغل است و دیگر مساله اول کسب‌وکار و لوی‌بی منزلت نیست. در جامعه‌شناسی سیاسی کارگرانی که در ناگامی معیشتی و سیاسی قرار دارند برگیرند نوع کنش آنها در جامعه متفاوت خواهد بود. علاوه بر آن که نهادهای نمایندگی این طیف جدید هم در جامعه وجود ندارد.

از سوزی دیگر قوانین و مقررات حاکم بر کسب‌وکار و اشتغال کشور نیز به‌طور جدی متأثر از نگاه کلاسیک هستند و رابطه کارگری و کارفرما را در همان رویکرد و روش می‌فهمند. این در حالی است که در تخصص بیشتر، بسیار بیشتر است. آینده کار و کارآینده تناسب (به عنوان نماد تغییر در ماهیت کسب وکار) از ۳۰۰ واحد به بیش از ۴۰۰ واحد رسیدند و وشاغلین در آنها هم به بیش از ۳۰۰ هزار نفر رسیده‌اند. همه پژوهش‌ها در دنیا نشان می‌دهند که تعیین حداقل دستمزد تأثیری بر تعداد اشتغال ندارد و این بلاثری در حوزه کسب‌وکارهای با دانش و تخصص بیشتر، بسیار بیشتر است. آینده کار و کارآینده مساله بسیار کمی با قواعد جاری ما دارد. وقت آن رسیده است که به جای ورود به حیطه‌های فرعی، اصلاح قواعد اساسی را با گفت‌وگوی سه‌جانبه در دستور کار قرار دهیم.

تحلیل‌های اقتصادی نشان داده‌اند که فارغ از اینکه چه دولتی بر سر کار بوده است، در دهه‌های اخیر، نرخ افزایش دستمزد همسطح با افزایش هزینه‌های زندگی نبوده است(به جز در سال‌هایی از دولت پادشاه). این امر بیش از هر چیز ناشی می‌دهد که راه‌حل مساله لزوماً در تعیین حداقل دستمزد نیست، بلکه باید در مؤلفه‌های اقتصادی دیگر جست‌وجو شود. کاهش قابل توجه در تقاضا برای نیروی کار در مقابل افزایش عرضه نیروی کار سبب بالاتر تعیین سود، لزوماً به معنای افزایش دستمزد واقعی نیست. به عبارت دیگر خود بازار دستمزد را تعیین و تعدیل می‌کند.

نگاه به جریان کارگری باید با دیدی آینده‌نگر مبتنی بر مسائل اقتصادی و اجتماعی صورت گیرد. چرا نیروی کار فقط باید در شورای عالی کار و در مورد دستمزد خود، به سبک نگاه کلاسیک، حوزۀ تعیین حداقل دستمزد، امری اقتصادی- اجتماعی است نه سیاسی. است به جای ورود به یک قاعده شکل یافته از گفت‌وگوی اجتماعی، از سیاسی کردن آن بهره‌نیزیم و در عین حال با احترام به هویت، کرامت و قابلیت‌های این بخش از جامعه فرصت‌های بیشتری برای مشارکت‌شان، آن هم نه فقط در حیطه کار کردن مانند ماشین، فراهم کنیم. حوزه تعیین حداقل دستمزد، امری اقتصادی- اجتماعی است نه سیاسی. خوب است به جای ورود سیاسی از این دست، امکان گفت‌وگوی اجتماعی و مشارکت آنها فراهم شود. آیا آمادگی داریم به جای نمایش سیاسی برای ورود به حوزه دستمزد نیروی کار، مسیر ورود سرمایه و ایجاد شغل در کشور و افزایش دستمزد را باز کنیم؟ امسال البته با وجود معضل کرونا با چالش حداقل دستمزد روبه‌رو بودیم. من همواره معتقد بودم که در فرآیند چندین‌ساله باید مزد را بر تورم پیشی داد چرا که قدرت خرید جامعه کارگری نه تنها کاسته نشود بلکه در درازمدت افزایشی برای زندگی با کرامت را تضمین کند. اما در فضای متأثر از شیوع کرونا باید به این اندیشید که با یا بدون تعیین و رعایت حداقل دستمزد، بخش قابل توجهی از جامعه شغل و درآمد خود را از دست داده‌اند. تقریباً همه کشورهای غربی سیاست پرداخت بخشی از دستمزد (۸۰ درصد در بالاترین حالت) را اتخاذ کرده‌اند. در ایران ریزش حداقل ۱.۵ میلیون و متأثر شدن بیش از ۶ میلیون نیروی کار پش‌بینی شده است. بنابراین، حفظ متناغل در شرایط جاری مهمترین مساله کشور ارزیابی می‌شود. این یکنی که مساله مهم و جدید بر دغدغه قدیمی دستمزد مناسب، افزوده شده است.

فراخوان عمومی خرید رایانه و تجهیزات جانبی

سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور در نظر دارد از طریق مناقصه (فرایند ارجاع کار)، خرید رایانه رومیزی (کیس به تعداد ۱۲۶ دستگاه) و نمایشگر (۱۰۵ دستگاه) و اسکنر (۱۲ دستگاه) و چاپگر (۱۲ دستگاه) و رایانه دستی (لپ‌تاپ ۴۳ دستگاه) خود را از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری فرایند ارجاع کار از دریافت اسناد فرایند کار تا ارائه پیشنهادات مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار؛ فقط ضمانت‌نامه بانکی به‌مبلغ ۱۰۲۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال

مهلت زمانی دریافت اسناد فرایند ارجاع کار از سامانه؛ از روز یکشنبه ۹۹/۲/۱۴ ساعت ۹۹/۲/۱۴ لغایت پنجشنبه ۹۹/۲/۱۸

مهلت تکمیل مدارک اخذ شده از سامانه و بازگذاری آن (هم در سامانه و هم به‌صورت ارسال فیزیکی)؛ شنبه ۹۹/۲/۲۰ لغایت دوشنبه ۹۹/۲/۲۹ ساعت ۱۳

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گر جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه (فرایند ارجاع کار)؛ شماره تلفن ۶۴۵۹۲۲۸۱ سرپرست گروه فناوری اطلاعات آقای ابوالفتح

اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه؛ مرکز تماس: ۴۱۹۳۴ دفتر ثبت نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷